

متن پرسش

بسم الله الرحمن الرحيم. با سلام خدمت استاد عزیز: استاد بی تردید سخن حضرت امیر را پس از این که لشکریان معاویه خلخال از پای یک زن یهودی که در ذمه حکومت علی می زیست را در آوردند، خوانده اید که فرمود اگر انسان طلب مرگ کند او را ملامت نکنید و حتما خبر دختر دو ساله کرمانشاهی که بر اثر سرما جان داد را نیز خوانده اید، حال نباید گفت بمیرند مسئولان کشور؟ واقعا بمیرند مسئولانی که در ولنجک، لواسان، زعفرانیه و... در خانه های ملیاردی پر زرق و برق استخر دار مشغول خوش گذرانی هستند. استاد جان عجب انقلاب و حکومتی شد. پر واضح است این آشی است که هاشمی برای این انقلاب پخت. اما استاد جان خودمان را جر می دهیم تا ثابت کنیم که این ها کاری به انقلاب و رهبری ندارد اما در مقابل پاسخهایشان دیگر کاملا لال شده ایم. می گویند و انگار کم کم داریم باور می کنیم راست هم می گویند این چه رهبری است که نتوانست انحراف هاشمی را جلوگیری کند؟ بر فرض شرایط اجازه نمی داد این همه تعریف و تمجید برای چه بود؟ استاد: هاشمی اول و دوم نکنید متن حکم تنفیذ هاشمی در دور دوم را بخوانید اگر دور اول بود می گفتیم رهبری نمی دانست او چه فکری دارد اما هاشمی چهار سال فکرش را نشان داد پس این همه تعریف در تنفیذ دور دوم او را تائید می کرد (خدای بزرگ را سپاس که در این نوبت نیز، رأی مصیب ملت، مسؤولیت را به دستهای توانای مردی سپرد که در میدانهای دشوار، لیاقت و امانت و صلاحیت و کاردانی و برجستگی او را آزموده بود. مردی بزرگ از سابقین اوّلین انقلاب و از حواریین و انصار دیرین امام راحل. عالمی متفکر، سیاستمداری هوشمند، فقیهی زمان شناس، مجاهدی خستگی شناس، برادری مهربان برای ضعیفان و مدیری کاردان برای کشور.) جالب این که این القاب و شلغاب در حکم دوره اول به مراتب کم رنگ تر است. راستی هاشمی فقیهی زمان شناس بود که تا هم فیها خالدون تفکر لیبرالی را در این کشور که دکتر شهریار زرشناس اخیرا مبسوط در یک مصاحبه آن را توضیح دادند، نهادینه کرد. خدائیش هاشمی در دوره اول ریاست جمهوری برادری مهربان برای ضعیفان بود او و همفکرانش که معتقد بودند از لوازم نا خواسته توسعه له شدن اقشار ضعیف است و اگر در شخص هم بود در تفکر و برنامه اقتصادی که بانی فقر و فساد و تبعیض و اشرافیت و اختصاصی سازی و کاخ سعد آباد و هزار کوفت و زهرمار دیگر بود واقعا دولت هاشمی شایسته لقب دولت کریمه امام زمان بود؟ استاد این شبهه های بی جواب که هیچ کجا جوابش را نیافتیم دارد دمار ما را در می آورد. وقتی به دوستی می گفتم رهبری بعضی صحبتها را مجبور بود بگوید برایم این مثال را آورد. با عرض معذرت. جوانی در عروسی در جمع رقصید، پدر خبر دار شد و او را مواخذه کرد که بی غیرت مگر تو را

نیاموختم که رقص در دین مبین کاریست حرام و سبک، پسر گفت پدرجان مرا به زور بلند کردند. پدر خشمگینانه فریاد کشید بی مروت اگر به زور بلندت کردند پس دیگر آن قر و قمیش ها چه بود؟ استاد چه کسی پس از هشت سال که کار تمام شده بود گفت هیچ کس برای من هاشمی نمی شود. استاد نگوئید خودش فرموده منظور رابطه دوستی بوده آخر در آن موقعیت که بحث اجرا و ریاست جمهوری بود چه ربطی به رفاقت داشت؟ برداشت مردم هم کاری به رفاقت نداشت. به یاد دارم به امام جمعه شهرمان درباره هاشمی سخنی گفتم بی درنگ در پاسخ گفت رهبری فرموده هیچ کس برای من هاشمی نمی شود و مرا ساکت کرد. تک تک فسادها و جنایاتی که به خاطر فقر و مهمتر از آن تبعیض و دنیا پرستی در این مملکت می شود پای آنانی است که این شرایط را فراهم ساختند. شخصی از بجه های جبهه جمله درد آوری می گفت ۲۵۰۰ سال حکومت شاهنشاهی نتوانست دین را از مردم بگیرد و این آخوندها گرفتند. باور کن استاد فوج فوج مردم خصوصاً جوانان نسبت به دین بدبین می شوند و می گویند اگر جایی خبری بود خود اینها اینقدر دروغ نمی گفتند و نمی دزدیند و اینچنین تجملاتی و دنیا دوست نمی شدند. باز هم بگویم بمیرند مسئولین جمهوری اسلامی که در حکومتشان رئیس مجمع تشخیص این مملکت با بنز می رود در استخر وی آی پی فرح سگته می کند و مفسر قرآنش مصداق خلق عظیمش می خواند و رئیس جمهورش در خانه ۸۰۰ متری در ولنجک تهران زندگی می کند و ... و از طرفی کودکانی بر اثر سرما در چادر می میرند و زنانی برای سیر کردن شکم بچه هایشان زنا می دهند و... کجایی امام که صحبت‌هایت دیگر شبیه به افسانه شده. در شعارهای انقلاب می گفتیم بگذرد این روزگار تلخ تر از زهر بار دیگر روزگار چون شکر آید. چه قدر روزگار شکری شد؟ اگر یک بار به مردم حق می دادند این روزگار چون شکر را می خواهند یا آن تلخ تر از زهر آن وقت متاسفانه نتیجه عجیبی را مشاهده می کردیم. کجایی امیرالمومنین که با نام شما چه جنایاتی نمی کنند؟ استاد ایملیم مثل حالم خراب است. شبهه ما مخصوصاً درباره رهبری را پاسخ بده. با تشکر

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: ۱- دوره‌ی دوم آقای هاشمی که عملاً تحول اساسی در افکار جریان منتسب به آقای هاشمی پیش آمد از اواسط حضور ایشان در مجمع تشخیص مصلحت بود با طرح نظریات امثال آقای سربع‌القلم که توانست با زمینه‌ای که از قبل در آقای هاشمی بود آن جریان را به این نتیجه برساند که باید با عقلِ مدرن موضوعات را تجزیه و تحلیل کرد و چون آن جریان حتی امثال آقای روحانی که در آن جلسات شرکت می‌کردند به معنی واقعی با معارف قدسی امام «رضوان‌الله‌تعالی‌علیه» آشنا نبودند و توجه به تقدیر الهی و معنی تقدیر و نحوه‌ی تقدیری که با انقلاب اسلامی به وجود آمد؛ در آن‌ها نبود، به راحتی جهت اصلی خود را نسبت به قبل تغییر دادند و این‌جا است که حتی می‌بینی آقای روحانی اول غیر از آقای روحانی دوم است ۲- آن‌چه پیش آمد معلوم کرد ما برای حضور اسلام در این تاریخ به چیزی از اسلام نیاز داریم که آن ماوراء موضوعات رسمی است که در حوزه‌های علمیه

مطرح می‌شود که در جای خود نه تنها لازم، بلکه ضروری است و در زمان خود که فرهنگ مدرنیته چهره‌های نهایی خود را بروز نداده بود و به ظهور نیاورده بود، کافی بود. ولی امروز اگر آموزه‌های قدسی حضرت امام در کنار حرکت سیاسی ایشان برای حفظ هویت دینی و انقلابی ما به صحنه نیاید، همین است که می‌بینید ۳- عمده عرض من در این قسمت نهفته است که اگر بخواهیم حقیقتاً تمدنی بیرون از آن‌چه غرب برای عالم و آدم تعریف کرده است؛ به میان آوریم، تنها محتوای قدسی کافی نیست، باید به روشی بیندیشیم که چگونه در چنین تاریخی آن تمدن به میان آید. اگر بخواهم رفقا را به طور اختصار در این مورد اخیر به تفکر دعوت کنم، به علت راز نیامدن نام حضرت علی «علیه السلام» در قرآن دعوت می‌کنم که به گفته‌ی علامه‌ی طباطبایی شرایط تاریخی هرگز اجازه نمی‌داد این مسئله‌ی بسیار مهم به صراحت مطرح شود، وگرنه آن‌چنان سیطره‌ی اصالت‌دادن به فرهنگ جاهلیت قوی بود که به‌کلی به اسلام و دیانت خدا پشت می‌شد. حال به من بگو! در این شرایط جز این است که باید کاری کرد که نه از حضور تاریخی علی «علیه السلام» غفلت شود، و نه وفاداران به فرهنگ جاهلیت در عین پذیرفتن نبوت حضرت محمد «صلوات الله علیه و اله» به‌کلی به جاهلیت گذشته برنگردند؟ بنده همه‌ی مدیریت رهبری را از همین جنس می‌دانم که از یک طرف، اصالت‌های انقلاب زیر پا گذاشته نشود و از طرف دیگر، جریانی که هم می‌خواهد انقلابی باشد و هم نمی‌تواند از آن نوع زندگی که غرب برای بشر امروز تعریف کرده؛ دل بکند، به تقابل کلی دست نزند تا این‌شاء الله انقلاب به مرور فرزندان خود را که از جمله شما هستید، با همه‌ی عصبانیت که دارید؛ بیرواند و مسلم بدانید این کار شدنی است و می‌شود. پیشنهاد جدی بنده آن است که به موضوع اخیر بسیار فکر کنید. به‌خصوص به سخنان اخیر رهبری در دیدار با خانواده سردار شهید علی بیلاقی فرمانده اسبق لشکر ۲۵ کربلای استان مازندران که می‌فرماید:

«اولاً جوان این نسل، جوان نسل سوّم، از جوان نسل اوّل امیدبخش‌تر است در صورتی که بتواند ایمانش را حفظ کند. جوان نسل اوّل، کسانی بودند که از روی احساسات، از روی هیجان [کار کردند]؛ احساسات بود، احساسات خوبی هم بود و همان احساسات کار کرد، یعنی یک نظام کهن را سرنگون کرد و اسلام را رو آورد؛ این را ما کوچک نمی‌گیریم، اما غالباً دانه‌دانه افراد - نمی‌گویم همه - از روی احساسات لانه جاسوسی را آن روز رفتند و با شجاعت تمام گرفتند، اما بعداً رفتند با آمریکایی‌ها صحبت کردند و عذرخواهی کردند؛ این ناشی از چیست؟ ناشی از کم‌عمق بودن آن انگیزه است. آن انگیزه متکی به یک زیرساخت محکم نبود؛ انگیزه بود، اما زیرساختش محکم نبود. جوان‌های امروز - [هرچند] بعضی [از آنها] هستند که بی‌خیال در خیابان راه می‌روند؛ زمان جنگ هم بودند، نه اینکه نبودند - اما آن [جوانی] که دنبال وظیفه می‌رود، می‌فهمد چه کار دارد می‌کند. یک نمونه‌اش همین حججی است و صدها نمونه، بلکه هزارها نمونه از این قبیل وجود دارد.

لذا من به جوان امروز در صورتی که انگیزه و ایمانش درست باشد، اعتمادم و امیدم بیشتر است تا به جوان آن روز. شماها آن جوان امروز هستید. آینده مال شماها است، این مملکت مال شماها است. ما

می‌رویم، ما نقشمان تمام شده، ما خواهیم رفت؛ آنکه می‌ماند و این کشور را باید به اوج برساند، شماها هستید. هرچه می‌توانید خودتان را بسازید، هم از لحاظ فکری بسازید، هم از لحاظ ایمانی بسازید؛ هم فکر را درست کنید، هم ایمان و دل را درست کنید. با خدا اُنس داشته باشید، اگر می‌توانید، تا آنجایی که می‌توانید، نماز شب بخوانید؛ نماز را خوب بخوانید، با توجّه بخوانید، قرآن را بخوانید. اینها چیزهایی است که می‌تواند جای این شهدا را پر کند؛ این کارها لازم است. من به شماها بیشتر امید دارم، به همین جوانِ نسل شما؛ [البته] اشخاص شما را نمی‌خواهم بگویم، چون آشنایی ندارم، اما به این نسل من بیشتر اعتماد دارم و بیشتر امید دارم تا آن (نسل قبلی)». موفق باشید